



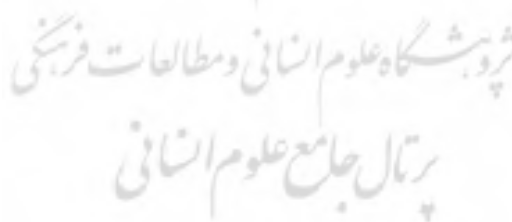
An Analysis of Imam Baqir's Narration on the Preparation of Iranians for the Reappearance of Imam Mahdi (PBUH)

Dr. Mohammadreza Javaheri ¹

Abstract

In an authentic hadith from Abu Khalid Kabuli from Imam Muhammad Baqir (PBUH), the stages of the emergence and uprising of the right-seekers of the East from their emergence to victory and stability have been predicted. The content of this authentic hadith is consistent with two hadiths of the Prophet (PBUH) narrated by Abdullah bin Masoud and the Prophetic hadith from Abdullah bin Juz Bedi. The consistency of these three hadiths reveals the spiritual continuity of the hadith. Evidence and indications of the possibility of applying this hadith to the Islamic Revolution of Iran have been shown in this study. The East and the East in the hadiths of the Prophet and the Ahl al-Bayt (PBUH) are Iran. This hadith introduces an emergence and uprising of the right-seekers in the East, an uprising that paves the way for the emergence of Imam Mahdi (PBUH) and submits and presents the government and power to the Imam Zaman (PBUH). The holy revolution and the prelude to the emergence that is completely Mahdist and the leader and the people know their movement in the direction of the emergence is the Islamic Revolution of Iran. No uprising like the Iranian uprising and Islamic Revolution in the human world has revived Mahdism and prepared the conditions for the emergence. Of course, with all the reasons given in this research for the adaptation, the matter is still in the form of probability and possibility.

Keywords: Imam Baqir(PBUH), Hadith, Islamic Revolution of Iran, East



1. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Ferdowsi Mashhad University, Mashhad, Iran(javaheri@ferdowsi.um.ac.ir)

بررسی روایت امام باقر علیه السلام درباره زمینه سازی ایرانیان برای ظهور

امام مهدی علیه السلام*

محمد رضا جواهری^۱

چکیده

در حدیث صحیحی از ابو خالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام مراحل خروج و قیام حق طلبان مشرقی از پیدایش تا پیروزی و پایداری پیش بینی شده است. محتوای این حدیث صحیح با دو حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نقل عبدالله بن مسعود و حدیث نبوی از عبدالله بن حارث زبیدی هماهنگ است. هماهنگی این سه حدیث، تواتر معنوی حدیث را آشکار می کند. شواهد و قرائن امکان تطبیق این حدیث با انقلاب اسلامی ایران در این پژوهش نشان داده شده است. مشرق و شرق در احادیث نبوی و اهل بیت علیهم السلام ایران است. این حدیث خروج و قیامی حق طلبانه در مشرق را معرفی می کند؛ قیامی که زمینه ساز ظهور امام مهدی علیه السلام است و حکومت و قدرت را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه تسلیم و تقدیم می نماید. انقلاب مقدس و مقدمه ظهور که کاملاً مهدوی باشد، و رهبر و مردم حرکت خویش را در راستای ظهور بدانند انقلاب اسلامی ایران است. هیچ قیامی همانند قیام و انقلاب اسلامی ایران در جهان بشری مهدویت را زنده نکرده و شرایط را برای ظهور فراهم ننموده است. البته با همه دلایلی که در این تحقیق برای تطبیق آمده است در عین حال مطلب به صورت احتمال و امکان هست.

واژگان کلیدی

امام باقر علیه السلام، حدیث، انقلاب اسلامی ایران، مشرق.

مقدمه

احادیث ملاحم و مغیبات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام بر اساس علم ویژه الهی که از آینده داشته اند صادر شده است. حدیث ابو خالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام یکی از این احادیث است. این حدیث صحیح در منابع معتبر حدیثی شیعه ذکر شده است. تاکنون پژوهشی درباره سند و متن و دلالت این حدیث و تحلیل محتوای آن انجام نشده و شواهد و قرائن تطبیق آن بر انقلاب ایران اسلامی ایران بیان نشده است.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (javaheri@ferdowsi.um.ac.ir).

ضرورت دارد پژوهش مناسب درباره این حدیث امام باقر علیه السلام صورت گیرد. هدف این مقاله توصیف و تحلیل همین حدیث و استنباط حقائق موجود در آن است. آینده‌نگری و آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی براساس احادیث ملاحم اهل بیت علیهم السلام، نقش مهمی در افزایش بصیرت و امیدواری انقلابیون در ایران و جهان دارد.

متن حدیث

محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی معروف به ابن ابی‌زینب در قرن چهارم هجری در کتاب الغیبة حدیثی را با سند صحیح از امام باقر علیه السلام آورده است. بعید نیست و احتمال دارد این حدیث بر مراحل انقلاب اسلامی ایران و سرنوشت و آینده آن تطبیق گردد. متن حدیث چنین است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ أَخِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَائِلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا، وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ. قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءً، أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ (نعمانی، ۱۴۰۳ق، ص. ۱۸۲)؛

گویی قومی را می‌بینم که در مشرق خروج کرده‌اند. حق را مطالبه می‌کنند و می‌خواهند پس به آنان داده نمی‌شود، سپس دوباره حق را مطالبه می‌کنند ولی به آنان نمی‌دهند. هنگامی که وضع را این‌گونه دیدند شمشیرهای خود را بر شانه‌هایشان می‌گذارند. در این زمان آنچه را طلب کرده‌اند به آنان می‌دهند، پس آنان نمی‌پذیرند تا این که برمی‌خیزند و قیام کنند و آن را جز به صاحب شما نمی‌دهند. کشته‌های آنان شهیدند، آگاه باشید اگر من آن زمان را درک کنم جانم را برای صاحب این امر ننگه می‌دارم.

به نظر می‌رسد این حدیث به اختصار مراحل انقلاب اسلامی ایران از آغاز تا انجام را بیان کرده است.

بررسی سند حدیث

حدیث مسند است و همه رجال سند امامی، ثقه و مورد اعتماد می‌باشند؛ بنابراین حدیث صحیح هست. آیت‌الله حسین نوری همدانی بر این واقعیت تصریح نموده‌اند. ایشان در درس خارج کتاب البیع در بحث از این حدیث گفته‌اند: خبر سنداً صحیح است (مدرسه فقهت، درس خارج فقه بحث ولایت فقیه، کتاب البیع، ۱۳۹۴/۱۱/۲۰).

در سلسله سند این حدیث هشت راوی قرار دارند که تمام آنها شناخته شده‌اند و در کتب رجالی تأیید شده و مورد اطمینان‌اند.
در سند روایت چنین آمده است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَخِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاكَلِيِّ.

احمد بن محمد بن سعید بن عبدالرحمن معروف به ابن عقده حافظ، ثقه و مورد تأیید است. ابوالعباس احمد بن علی نجاشی در وصف او می‌نویسد:

هذا رجل جليل في اصحاب الحديث مشهور بالحفظ... و عظم محله و ثقته و امانته له كتب (نجاشی، ۱۳۶۵، ص. ۹۴؛ موسوی خوئی، ۱۴۰۳، ج ۲، صص. ۶۳-۶۴)
این مردی جلیل در اصحاب حدیث است. مشهور به حفظ است... جایگاه بزرگ او و ثقه بودن او و امانت‌داری او شناخته شده است، برای او کتاب‌هایی است.

شیخ طوسی در وصف او نوشته است: امره فی الثقة و الجلالة و عظم الحفظ اشهر من أن يذكر (طوسی، ۱۴۱۷، ص. ۷۲) امر او در مطمئن بودن و جلالت و بزرگی حفظ مشهورتر از این است که ذکر شود.

علی بن حسین بن علی بن فضال به گزارش شیخ طوسی ثقه است و کتاب‌هایی در فقه داشته است. (طوسی، ۱۴۱۷، ص. ۱۵۶) نجاشی نیز درباره او نوشته است:

كان فقيه اصحابنا بالكوفة و وجههم و ثقتهم و عارفهم بالحديث و المسموع قوله فيه سمع منه شيئاً كثيراً و لم يعثر له على ذلة فيه و لا ما يشينه (نجاشی، ۱۳۶۵، ص. ۲۵۷)؛
فقیه اصحاب ما در کوفه بود شخصیت و چهره برجسته آنان و ثقه آنان و عارف آنان به حدیث و کسی که قول او در حدیث شنیده شده است بود از او احادیث زیادی شنیده شده و لغزشی برای او در حدیث و چیزی که به وثاقت او صدمه بزند پیدا نشده است.

محمد بن حسن صفار قمی صاحب کتاب *بصائر الدرجات* ثقه و مورد اعتماد است. نجاشی نوشته است:

كان وجهها في اصحابنا القميين، ثقه، عظيم القدر، راجحاً (نجاشی، ۱۳۶۵، ص. ۳۵۴)؛
چهره و شخصیت بارز در اصحاب قمی ما بوده مورد اعتماد، عظیم القدر و برتر است.

حسن بن علی فضال ثقه و مورد اعتماد است. حلی در تعریف او نوشته است:

ممدوح معظم... کان خصیصاً بالرضا علیه السلام جلیل القدر عظیم المنزله زاهدا ورعاً له
کتب (حلی، ۱۳۴۲، ص. ۱۱۴)؛

ستایش شده و بزرگ شمرده شده... از اصحاب خاص امام رضا علیه السلام، جلیل القدر، بزرگ
جایگاه، زاهد و با ورع بود. برای او کتاب‌هایی است.

احمد بن عمر بن اَبی شعبه حلبی ثقه و مورد اعتماد است. علامه حلی نوشته است:

ثقه روی عن اَبی الحسن الرضا علیه السلام (حلی، ۱۴۰۲ق، ص. ۲۰)؛
مورد اعتماد است و از امام رضا علیه السلام روایت نموده است.

حسین بن موسی ثقه و مورد اعتماد است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص. ۴۵).
معمر بن یحیی بن سلام ثقه و مورد اعتماد هست. نجاشی نوشته است:

ثقه، متقدم، روی عن اَبی جعفر و اَبی عبدالله علیه السلام له کتاب (نجاشی، ۱۳۶۵، ص. ۴۲۵).
مورد اعتماد، پیشگام است از امام باقر و صادق علیه السلام روایت کرده است برای او کتابی است.
ابو خالد کابلی نامش وردان و لقب او گنگر بود؛ ثقه و مورد اعتماد است از حواریون امام
سجاد علیه السلام بوده است، ابو صباح کنانی گفته است شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود:

خدم ابو خالد کابلی علی بن الحسین علیه السلام دهرراً من عمره (کشی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۳۳۷).
ابو خالد کابلی روزگاری از عمرش را در خدمت علی بن الحسین علیه السلام گذراند.

نقل حدیث امام باقر علیه السلام از سوی محدثان

حدیث امام باقر علیه السلام با همین سلسله سند و روایان و همین الفاظ و متن، در کتاب‌های
علمای امامیه از قرن چهارم تا قرن پانزدهم هجری قمری و معاصران آمده است.
علامه مجلسی در بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۲۴۳) و نعمت‌الله بن عبدالله
جزائری در ریاض الأبرار فی مناقب الائمة الاطهار علیهم السلام (جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص. ۱۷۴) و در الانوار
النعمانیه (جزائری، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص. ۵۱) و علی یزدی حائری در الزام الناصب فی اثبات الحجّة
الغائب علیه السلام (یزدی حائری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص. ۱۳۳) و محسن امین در اعیان الشیعه (امین،
۱۴۲۱ق، ج ۲، ص. ۷۷) و کامل سلیمان در کتاب یوم الخلاص فی ظل القائم المهدي علیه السلام (سلیمان،
ج ۱، ص. ۵۷۰) و علی کورانی عاملی در عصر الظهور (کورانی، ۱۴۲۵ق، ص. ۱۷۱ و ۲۲۲) و در
کتاب المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدي علیه السلام (کورانی، ۱۴۲۶ق، ص. ۴۹۴) و در السیرة
النبویة عند اهل البیت علیهم السلام (کورانی، ۱۴۳۵ق، ص. ۶۲ و ۱۰۵) و حسینعلی منتظری در کتاب
دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۲۳۸) و در نظام الحکم فی

الاسلام (منتظری، ۱۳۸۰، ص. ۹۴) و وسام برهان البلداوی در کتاب *تیجان الولاء فی شرح بعض فقرات زیارة عاشوراء* (بلداوی، ۱۴۳۳ق، ج ۲، ص. ۳۹۵) و محمد امیر ناصری و محمد علی تسخیری در کتاب *الاحادیث المشتركة حول الامام المهدي* (ناصری، ۱۴۲۶ق، ص. ۱۵۴) و محمد محمدی ری شهری در کتاب *اهل بیت علیهم السلام در قرآن و حدیث* (محمدی ری شهری، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۴۲) و *دانش نامه امام مهدی* (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۶، ص. ۴۵؛ ج ۷، ص. ۴۵۳) و *حکمت نامه بسیج* (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص. ۴۵) این حدیث را آورده اند.

شایان ذکر است که همه این مؤلفان با نگاه مثبت و به عنوان حدیث صحیح به این حدیث نگاه کرده اند.

جایگاه کتاب الغیبة نعمی

کتاب الغیبة از آثار بسیار مهم شیعه و از قدیمی ترین کتاب ها در مسئله غیبت و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است. کتاب از ابو عبدالله محمد بن جعفر کاتب نعمانی از شاگردان برجسته محمد بن یعقوب کلینی صاحب الکافی و کاتب وی و از راویان بزرگ شیعه امامیه بوده است. برای دست یابی به منابع ارزنده حدیث سفرهای فراوانی رفت. فهرست نویسان شیعه از کتاب الغیبة یاد کرده اند (شیخ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶، ص. ۷۹؛ شیخ آقابزرگ طهرانی، بی تا، ج ۲، ص. ۶۵) نجاشی در وصف او نوشته است:

شیخ من اصحابنا عظیم القدر، شریف المنزله، صحیح العقیده، له کتب (نجاشی، ۱۳۶۸، ص. ۳۸۳)؛

شیخی از اصحاب ماء عظیم القدر، دارای جایگاه شریف، با عقیده درست است. برای او کتاب هایی است.

محتوای حدیث در حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

مضمون و محتوای این حدیث امام باقر علیه السلام در روایات دیگر نیز وجود دارد و این خود شاهد اعتبار و اهمیت این حدیث است.

عبدالله بن مسعود گفته است:

ما در حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودیم جوانانی از بنی هاشم آمدند چون پیامبر خدا به آنان نگاه کرد رنگ چهره آن حضرت تغییر کرد و دیدگان آن حضرت اشک آلود شد. گفتیم: ای رسول خدا ما در چهره شما اثر اندوه می بینیم، چه اتفاقی رخ داده است؟ پیامبر فرمود: *إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اللَّهِ لَنَا الْآخِرَةُ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ*

بَعْدِي بَلَاءٌ وَ تَشْرِيْدًا وَ تَطْرِيْدًا، حَتَّى يَأْتِي قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ رَايَاتٌ شُوْدٌ، فَيَسْأَلُوْنَ الْخَيْرَ، فَلَا يُعْطُوْنَهُ، فَيُقَاتِلُوْنَ فَيُنْصَرُوْنَ، فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا، فَلَا يَقْبَلُوْنَهُ، حَتَّى يَذْفَعُوْهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا، كَمَا مَلَأُوْهَا جَوْزًا، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ، فَلْيَأْتِهِمْ وَ لَوْ حَبْوًا عَلَى التَّلَجِّ. ما اهل بيتي هستيم كه اختيار فرموده خدا از براي ما آخرت را بر دنيا، و بدرستی كه اهل بيت من زود باشد كه بيافتند در بلا و رانده گردند در اطراف تا بيابند قومی از قبل مشرق و با ايشان پرچم های سياه باشد، پس ايشان سؤال از حق كنند پس ندهند آن را، پس مقاتله كنند و ياری داده شوند پس اعطا كنند آنچه طلبند، پس قبول نكنند تا دفع كنند آن را به مردی از اهل بيت من، پس پر كند زمين را از قسط و عدل همچنان كه پر شده باشد از جور، پس آنكه ادراك كند پس هريك از شما آن زمان را درك كند پس بايد خود را به ايشان برساند و اگر چه لازم باشد كه با سینه روی برف راه برود.

محتوای این حدیث عبدالله بن مسعود از پیامبر خدا ﷺ با محتوای سخن امام باقر علیه السلام خیلی نزدیک است. عامه و زیدیه در گزارش این حدیث پیشگام بوده‌اند. این حدیث را نخستین بار ابن ماجه قزوینی در کتاب سنن خود در قرن سوم آورده است (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص. ۵۳۹). این کتاب یکی از شش منبع حدیثی اهل سنت است که در نزد عامه از اعتبار برخوردار هست. همچنین در همین قرن در کتاب البلدان ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی مشهور به ابن الفقیه آمده است (ابن الفقیه، ۱۴۱۶ق، ص. ۲۲) این حدیث در الاربعون حدیثا فی المهدی از حافظ ابونعیم احمد اصفهانی در قرن پنجم وجود دارد (اصفهانی، ۱۴۴۰ق، ص. ۸۶) محب الدین طبری شافعی در قرن هفتم در کتاب ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی همین حدیث را نقل کرده است (طبری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص. ۷۶) جلال الدین سیوطی شافعی نیز در قرن نهم در کتاب العرف الوردی فی الاخبار المهدی حدیث را ثبت نموده است (سیوطی، ۱۳۸۵، ص. ۹۳). علاء الدین متقی بن علی هندی در قرن دهم در کتاب کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال حدیث را آورده است (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص. ۱۱۹، ح ۳۸۶۷۴). در قرن سیزدهم نیز در کتاب ینابیع الموده لذوی القربی از سلیمان بن ابراهیم قندوزی آمده است (قندوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۴۰۷). علمای امامیه نیز این حدیث نبوی را در آثار خود آورده‌اند. نخستین بار ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم طبری در قرن پنجم در کتاب دلائل الامامة ثبت کرده است (طبری، ۱۴۱۳ق، ص. ۲۲) سپس سید بن طاووس در قرن هفتم در کتاب التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن یا الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام نوشته است (سید بن طاووس، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۸ و ۳۱۴) در همین قرن

ابوالحسن علی بن عیسی بن ابوالفتح اربلی در کتاب کشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام گزارش کرده است. (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص. ۴۷۸) قاضی نورالله شوشتری شهید ثالث در قرن دهم در کتاب احقاق الحق وازهاق الباطل این حدیث را آورده است (تستری، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص. ۱۸۵) در قرن یازدهم علامه محمدباقر مجلسی در بحارالانوار این حدیث را نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص. ۸۷). لطف الله صافی گلپایگانی در کتاب منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیهم السلام در قرن پانزدهم نیز همین حدیث را درج نموده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۷۰). از علمای زیدیه ابوجعفر محمد بن سلیمان کوفی در قرن سوم هجری در کتاب مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام این حدیث را نقل کرده است (کوفی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص. ۱۱۰). با در کنار هم قرار دادن این حدیث نبوی صلی الله علیه و آله و حدیث امام باقر علیه السلام با توجه به تقارب مفهومی، درجه اعتبار بالای حدیث آشکار می گردد.

حدیث انقلاب شرقی زمینه ساز ظهور

در حدیث نبوی دیگر از انقلاب موطنون انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه یاد شده است. این حدیث را عامه و خاصه در آثار حدیثی و تاریخی خویش ذکر کرده اند. عبدالله بن حارث بن جزء بیدی گفته است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانة (ابن ماجه قزوینی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص. ۳۶۸، ح ۴۰۸۸؛ حمویی جوینی شافعی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص. ۳۲۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص. ۴۷۷؛ گنجی شافعی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۴۹۰؛ ابن خلدون، بی تا، ج ۱، ص. ۳۲۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص. ۶۰؛ سیوطی، ۱۳۸۵، ص. ۹۵؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص. ۱۱۸، ح ۳۸۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص. ۸۷؛ تستری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص. ۲۲۱؛ قندوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص. ۲۴۶ و ج ۴، ص. ۳۷۲؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص. ۲۲۷ و ۲۵۳؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۳۱۹) مردمی از مشرق قیام می کنند زمینه را برای حکومت و قدرت مهدی فراهم می آورند. این حدیث سخن از انقلاب زمینه ساز ظهور است. کلمه یوطئون در این روایت وجود دارد و به معنای آماده سازی است. العین نوشته است: وطأت لک الامر اذا هیأته (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص. ۴۶۷) النهایة فی غریب الحدیث والاثار حقیقت توطئه را آماده سازی می داند: حقیقتة من التوطئه و هی التمهید و التذلیل (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص. ۵۳) مجمع البحرین و مطلع النیرین نیز همین معنی را آورده است. التوطئه التذلیل و التمهید (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۴۴۲). کلمه سلطان به معنای غلبه و تسلط و قدرت و حجت است (ابن منظور، ج ۷، ص. ۳۲۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص. ۲۵۵)

حدیث صریح است در بیان انقلاب اسلامی در شرق که در غیبت کبرای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پدید می‌آید. این انقلاب حق و مقدس و الهی است، چون مهدویت را باور دارد و یک حرکت بزرگ در راستای ظهور و تشکیل حکومت مهدوی در جهان است.

تحلیل محتوای حدیث امام باقر علیه السلام

روایت با کأنتی بقوم قد خرجوا بالمشرق آغاز شده است. واژه «کأنتی» بیان‌گر رخداد قطعی در آینده است و آینده را به صورت حتمی پیش‌بینی می‌کند. علی‌کورانی عاملی در تبیین این کلمه در حدیث نوشته است:

هو يدل على انه حدث من وعد الله المحتوم يعبر عنه النبي صلى الله عليه وآله و الأئمة ب«كأني بالشيء الفلاني أو الامر الفلاني» يعني يقينهم به كآتهم بيرونه بل يدل على رؤيتهم له بالبصيرة التي خصهم الله بها (کورانی، ۱۴۲۶ق، ص. ۴۹۵)؛

دلالت می‌کند بر این‌که پدیده‌ی خروج، از وعده حتمی الهی است پیامبر و ائمه از آن به کانی بالشیء الفلانی او الامر تعبیر می‌کنند یعنی یقین آنان به این‌که گویا آن را می‌بینند بلکه بر دیدن آنان با بصیرتی که خداوند آنان را به آن اختصاص داده دلالت می‌کند.

کلمه «خرجوا» از ماده خروج است. خروج در لغت به معنای بیرون آمدن برابر دخول است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص. ۱۵۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۲۳۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۵۰۱). در اصطلاح به معنای خارج شدن برای اجرای کار بسیار مهم است و قیام و انقلاب را شامل می‌شود.

واژه مشرق در احادیث زیادی به کار رفته است. منظور از مشرق در این روایت کجاست؟ بی‌شک مقصود محل طلوع خورشید نیست که محل طلوع در هر جایی با جای دیگر متفاوت است و مقصود منطقه شرقی عربستان که در شرق مدینه قرار دارد نیز نیست بلکه مقصود منطقه‌ای خاص و شناخته شده هست و در این حدیث ایران اسلامی شیعی است. یکی از حدیث پژوهان مهدوی اهل لبنان در ارتباط با مشرق در این حدیث می‌گوید: واضح است که مقصود از قومی از مشرق، ایرانی‌ها هستند و این امر متسالم علیه و مورد پذیرش در نزد اصحابی که حدیث را روایت کرده و تابعین که از اصحاب گرفته‌اند و نسل‌های بعدی بوده است به گونه‌ای که یکی از آنان نگفته است مقصود از قوم مشرقی اهل ترکیه فعلی یا اهل افغانستان یا اهل هند باشند بلکه گروهی از امامان حدیث و مؤلفان گفته‌اند که منظور اهل فارس و ایرانی‌ها هستند. پس تفسیر وهابیون به اهل افغانستان و طالبان به دور از فهم عموم مسلمانان است (کورانی عاملی، ۱۴۲۶ق، ص. ۴۹۵)

ناظم الاسلام کرمانی پس از این که حدیث امام باقر علیه السلام از ابو خالد کابلی را نقل کرده و به صراحت لفظ مشرق را به ایرانیان ترجمه نموده می‌نویسد:

در این خبر لفظ مشرق را به ایرانیان ترجمه نمودم به علت آنکه امام می‌فرماید آنچه از این گروه کشته می‌شوند شهید شده‌اند و این جمله قرینه بلکه صریح است به آنکه مراد از مشرق آن مشرقی است که شیعیانش آنجا می‌باشند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۲۹ ق، ص. ۹۷).

مراد از مشرق در روایت، مشرق عربستان یعنی ایران است علت انطباق مشرق با ایران علیرغم این که کشورهای دیگری جز ایران در شرق عربستان قرار دارند روایت مسند صحیح دیگری از امام باقر علیه السلام است. معروف بن خربوذ گفته است:

ما دخلنا علی ابی جعفر الباقر علیه السلام قط الا قال: خراسان خراسان سجستان سجستان کانه ییشرنا بذلک (نعمانی، ۱۴۰۳ ق، ص. ۲۷۳)؛
هیچ‌گاه خدمت امام باقر علیه السلام نرسیدیم مگر آن که فرمود: خراسان خراسان سجستان سجستان گویا در این سخن بشارت و مژده‌ای به ما می‌داد. براساس این روایت می‌توان گفت امام باقر علیه السلام قومی را که از مشرق خروج می‌کنند و زمینه‌ساز ظهور امام زمان‌اند را بر مردم خراسان و سیستان که دو استان مهم ایران در آن زمان بوده تطبیق کرده‌اند (علم الهدی، ۱۳۹۹ ق، ص. ۲۶۹).

محتوا و سیاق حدیث نشان دهنده این است که قوم مشرقی شیعه‌اند، امامت امام باقر علیه السلام را پذیرفته‌اند، به امامت و غیبت و ظهور امام مهدی علیه السلام اعتقاد دارند و امام مهدی علیه السلام را صاحب‌الامر می‌دانند و این حقائق در کره زمین تنها بر ایران و ملت ایران تطبیق می‌کند. مشرق در حدیث نبوی که عبدالله بن مسعود نقل کرده است و در حدیث نبوی که عبدالله بن حارث نقل کرده است نیز وجود دارد این اسم مهدی در هر دو حدیث به صراحت و وضوح، بر پیوند انقلاب قوم شرقی با مهدویت تأکید می‌کند. این مطلب هم شاهدی بر تطبیق مشرق بر ایران اسلامی شیعی مهدوی است.

در جمله «یطلبون الحق فلا یعطونه ثم یطلبونه فلا یعطونه» کلمه حق یک بار تصریح شده و یکبار هم با ضمیر یاد شده است و این روشنگر این واقعیت است که هدف قیام و خروج و انقلاب مذکور در متن حدیث، حق است و بنابراین یک انقلاب مقدس و حق طلبانه و الهی و انقلاب مثبت و مطلوب اهل بیت علیهم السلام است.

جمله «لا یدفعونها الا الی صاحبکم» سرنوشت و سرانجام خروج و قیام قوم شرقی را بیان

می‌کند. هدف آنان زمینه‌سازی برای ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه است. ضمیر موجود در عبارت «لایدفعونها» ضمیری مؤنث است که به کلمه حق بر نمی‌گردد بلکه به حکومت و قدرت بر خواهد گشت که از معنا استخراج شده است. این انقلاب شکست‌ناپذیر است پس از پیروزی پایدار می‌ماند تا انقلاب جهانی مهدوی که حکومت و قدرت را به ایشان می‌رساند. صاحبکم در این حدیث صاحب عصر و امر جهان است. صاحب مخاطبان حدیث که شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه هست. در این جمله آینده انقلاب بر حق مردم مشرق بیان شده است. آنان در خروج و قیام پیروز می‌شوند و در قدرت قرار می‌گیرند و حکومت را به هیچ‌کس جز صاحب زمان عجل الله تعالی فرجه نمی‌دهند. جمله «قتلاهم شهداء» دلیلی بر قداست و ارزش انقلاب مردم مشرق است، چون امام تمام کشتگان این خروج و قیام را شهید می‌دانند. شهید کسی است که آگاهانه و فی سبیل الله در صحنه نبرد حضور می‌یابد و در راه خدا کشته می‌شود.

در حدیث جمله «اما انی لو ادرکت ذلک لاستبقیت نفسی لصاحب هذا الامر» وجود دارد. در تفسیر این فراز حدیث امکان دارد گفته شود امام باقر علیه السلام فرموده‌اند اگر من آن زمان بودم با رهبر آن انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور همکاری می‌کردم و امکان دارد منظور از صاحب الامر امام مهدی علیه السلام باشد؛ به این معنی که تلاش می‌کنم تا زنده باشم و حکومت حضرت مهدی علیه السلام را نیز درک کنم. در هر دو صورت این جمله حدیث، شاهد دیگری بر قداست و ارزشمندی آن خروج و قیام هست. امام باقر علیه السلام از آن حرکت راضی است و دوست دارد رهبر آن را یاری نماید و دوست دارد در آن زمان باشد و در آن خروج و قیام شرکت نماید و همچنین زنده بماند و در سپاه صاحب اصلی حکومت در جهان بشری که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است قرار گیرد.

دولت صفویه

این خروج و قیام را برخی معاصران دولت صفویه، بر آن حکومت تطبیق نموده‌اند. مشرق را ایران دانسته‌اند اما منظور از حدیث را حکومت صفویه شمرده‌اند. علامه مجلسی پس از نقل حدیث می‌نویسد:

لا یبعد ان یکون اشارة الى الدولة الصفویة شیدها الله تعالی و وصلها بدولة القائم علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۲۴۳)؛

بعید نیست که حدیث اشاره به دولت صفویه باشد که خدای متعال آن دولت را پایدار بدارد و به دولت قائم عجل الله تعالی فرجه متصل کند.

علامه مجلسی در کتاب فارسی اثبات رجعت نیز همین تطبیق را انجام داده است (مجلسی، ۱۳۸۶، ص. ۲۵).

نعمت الله جزائری نیز نوشته است:

لا یخفی علی اهل البصائر انه لم یخرج من المشرق سوى ارباب السلسلة الصفویه و هو الشاه اسماعیل اعلی الله مقامه فی دارالمقامة و قوله علیه السلام لا یدفعونها الا علی صاحبکم المراد به القائم علیه السلام فیکون فی الحدیث اشارة الى اتصال دولة الصفویه بدولة المهدي علیه السلام فهم الذین یسلمون الملک له عند نزوله بلا نزاع و جدال (جزائری، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص. ۵۱)؛
بر اهل بصیرت ها مخفی نیست که از مشرق غیر از ارباب سلسله صفویه و او شاه اسماعیل است خارج نشده است و سخن امام لا یدفعونها الا الی صاحبکم مراد از آن قائم علیه السلام است پس در این حدیث اشاره است به اتصال دولت صفویه به دولت مهدی علیه السلام زیرا آنان کسانی اند که حکومت را هنگام نزول حضرت مهدی علیه السلام بی نزاع و جدال به ایشان تسلیم می کنند.

این نظر و این تطبیق واقعیت ندارد، چون دولت صفویه سقوط کرده است و اکنون انقلاب اسلامی پدید آمده و پیروز شده و پایدار است. هیچ حرکتی در طول تاریخ در عصر غیبت به اندازه انقلاب اسلامی ایران با مهدویت پیوند نداشته است. هیچ قیامی در جهان به قدر انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز انقلاب مهدوی نیست. احتمال این که منظور از حکومت پایدار زمینه ساز ظهور دولت جمهوری اسلامی ایران باشد بسیار زیاد هست.

انقلاب اسلامی ایران

احتمال دارد حدیث امام باقر علیه السلام پیش بینی انقلاب اسلامی ایران باشد. برخی عالمان همین احتمال را داده اند و حدیث را بر انقلاب اسلامی ایران تطبیق نموده اند. حسینعلی منتظری پس از نقل این حدیث در بحث مشروعیت قیام الهی قبل از ظهور می گوید:

دلالة الخبر ایضاً علی حدوث ثورة و قیام قبل القائم علیه السلام و كونه قیام حق واضح (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۲۳۹)؛
دلالت این خبر نیز بر پیدایش انقلاب و قیام قبل از قائم علیه السلام و این که آن قیام حق است واضح و روشن هست.

وی پس از ذکر این حدیث و چند حدیث دیگر می نویسد: یحتمل انطباق مفاد هذه الاخبار علی الثورة الاسلامیة الواقعة فی ایران كما لا یخفی (منتظری، ۱۴۱۵ق، ص. ۲۳۹) احتمال انطباق مفاد این اخبار به انقلاب اسلامی که در ایران واقع شده پنهان نیست.

حسین عبیدالقریشی در کتاب اسئله مهدویه تتعلق بعصر الظهور الشریف اجاب عنها پس از نقل حدیث می‌نویسد:

هذا الحدیث صحیح السند و معناه ان اهل المشرق او الایرانیین یخرجون علی حاکمهم الظالم ثم یطلبون حقهم من العالم مرتین فلا یعطونه فیهددون بالحرب و یضعون اسلحتهم علی عواتقهم فیعطون ما طلبوا فلا یقبلونه حتی یقوموا ای یثوروا (القریشی، ۱۴۳۴ق، ص. ۴۲)؛

این حدیث سند صحیح دارد و معنای آن این است که اهل مشرق یا ایرانی‌ها بر حاکم ستمگرشان خروج می‌کنند سپس حقشان را دوبار از جهان می‌خواهند به آنان نمی‌دهند پس تهدید به جنگ می‌کنند و اسلحه‌شان را برشانه‌های‌شان می‌گذارند آنچه را می‌خواهند به آنان می‌دهند ولی نمی‌پذیرند تا این‌که قیام می‌کنند یعنی انقلاب می‌کنند.

علی کورانی لبنانی نیز این حدیث را برانقلاب اسلامی ایران تطبیق می‌کند (کورانی، ۱۴۲۵ق، ص. ۱۷۱، ص. ۱۷۳ و ص. ۱۷۹). محمد محمدی ری‌شهری در ارتباط با این حدیث نوشته است:

با توجه به ظاهر حدیث، تطبیق آن بر این وقایع محتمل است: قیام ملت ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، اظهار توبه رژیم گذشته و تسلیم خواسته‌های مردم در آخرین لحظات، سرنگونی رژیم تنها خواسته مردم، پیروزی قیام ملت ایران علیه رژیم شاهنشاهی، تحقق جمهوری اسلامی، تداوم جمهوری اسلامی تا انقلاب جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درگیری‌ها برای استقرار انقلاب، جهاد فی سبیل الله، کشته‌های آن شهیدند، پیروزی انقلاب اسلامی در نزدیکی ظهور مهدی تحقق می‌یابد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۵، ج ۷، ص. ۴۵۵).

آیت‌الله حسین نوری همدانی در درس خارج فقه تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ بعد از ذکر این حدیث می‌گوید:

خبر سندا صحیح است و مضمونش مشخص است و حتی بر انقلاب اسلامی ایران نیز قابل تطبیق هست (نوری همدانی، ۱۳۹۴).

احمد علم الهدی در تطبیق این حدیث نوشته است:

امام باقر علیه السلام از وقوع قیامی پیش از ظهور خبر می‌دهند و در ضمن آن را تأیید می‌کنند. روایت از جمله روایاتی است که دلالت صریح و روشنی بر پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران توسط امام باقر علیه السلام دارد (علم الهدی، ۱۳۹۹، ص. ۲۶۹).

انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور در بیان امام خمینی علیه السلام

به حکم جمله «لایدفعونها الا الی صاحبکم» مردم مشرقی در این خروج و قیام پیروز می‌شوند و حکومت آنان زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام است، حکومت و قدرت را به دست می‌آورند و تا ظهور قدرت را در اختیاردارند و با ظهور حکومت را تسلیم امام مهدی علیه السلام می‌نمایند. این فراز از حدیث پیش‌بینی قطعی خروج و قیام مشرقی است و آینده انقلاب اسلامی ایران را بیان می‌کند. آینده‌پژوهان انقلاب اسلامی می‌توانند از این فراز حدیث در آینده‌نگری انقلاب اسلامی استفاده نمایند. در هر انقلابی بهترین منبع شناخت اهداف انقلاب، گفتار رهبر انقلاب است. امام خمینی علیه السلام انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی را هدف نمی‌دانند بلکه آن را مقدمه ظهور می‌شناسند و قدرت و حکومت را امانت در دست ملت مسلمان ایران می‌دانند تا در انقلاب جهانی مهدوی برسانند.

امام خمینی علیه السلام در ۱۲ تیر ۱۳۵۸ در سخنرانی در قم می‌گویند:

از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که ظهور ولی عصر سلام‌الله‌علیه را نزدیک فرماید و چشم‌های ما را به جمال مقدسش روشن، ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۷۴).

در سخنرانی در ۳۱ فروردین ۱۳۶۰ در حسینیه جماران گفتند:

این کشوری که کشور ائمه هدی و کشور صاحب‌الزمان سلام‌الله‌علیه است، کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را ان شاء الله به عدل و داد بکشد و از این جوهرهایی که به مستضعفان می‌گذرد جلوگیری کند (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۴، ص ۳۰۹).

در ۱۰ مرداد ۱۳۶۰ در پیام روز جهانی قدس از انتظار منتهی شدن این انقلاب به انقلاب

مبارک امام مهدی علیه السلام سخن گفته‌اند:

امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء منتهی شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۵، ص ۶۳).

در سخنرانی ۳ آذر ۱۳۶۰ در جماران صاحب اصلی این انقلاب را امام مهدی علیه السلام دانسته و

قدرت را امانتی که باید به ایشان برسد:

من امید دارم که این کشور با همین قدرت که تا این جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا اینجا رسانده است باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی ان شاء الله بیابد و ما و شما و ملت ما امانت را به او تسلیم کند (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۵، ص. ۳۸۵).

در پیام رادیوتلوویزیونی عید نوروز ۱ فروردین ۱۳۶۱، انقلاب اسلامی ایران را مقدمه برای ظهور می شمارند:

امیدوارم که این انقلاب یک انقلاب جهانی شود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء باشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص. ۱۳۱).

در سخنرانی ۱۴ فروردین ۱۳۶۱ بر تلاش برای رسیدن جمهوری اسلامی به زمان ظهور تاکید کرده اند:

امیدوارم که این جمهوری اسلامی ان شاء الله برسد به مقامی که خودش را برساند به زمان ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص. ۱۷۴).

در ۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ در جماران از اهمیت اتصال جمهوری اسلامی به زمان ظهور سخن گفته اند:

خداوند این جمهوری اسلامی را که برای خدا دارند کار می کنند و این ملت در آن برای خدا قیام کرده است و به پیش می رود تا این که این جمهوری اسلامی متصل بشود به زمان ظهور حضرت سلام الله علیه (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص. ۲۳۰).

در ۴ خرداد ۱۳۶۱ در جمع ائمه جمعه فرمودند:

سعی کنید مطالعه کنید که در خطبه های تان چه می خواهید بگوئید. امیدوارم اسلام به دست شما منتشر شود تا مقدمه ای شود برای ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص. ۲۶۱).

در سخنرانی عید نوروز ۱ فروردین ۱۳۶۴ نیز بر ضرورت رد امانت به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) تصریح نموده اند:

من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به ما توفیق بدهد که ما بتوانیم به این مقصدی که مقصد انبیاست برسیم و ما ان شاء الله باهم باشیم و این قافله را باهم به منزل برسانیم و این امانت را به صاحب امانت رد کنیم (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۹، ص. ۲۰۹).

در پیام دوم فروردین ۱۳۶۸ انقلاب اسلامی ایران را نقطه شروع انقلاب جهانی مهدوی می‌دانند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۲۷).

در تاریخ غیبت کبری قیامی نبوده است که به صراحت رهبر و مردم اعلام کنند برای زمینه‌سازی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کرده‌اند. امام خمینی رحمته الله علیه بارها تصریح نمود که انقلاب اسلامی مقدمه برای ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. انقلابی که رهبری آن خود را فدایی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بداند تنها انقلاب اسلامی است. انقلابی که قدرت را امانت برای سپردن به صاحب امانت صاحب امر عجل الله تعالی فرجه الشریف دیده است انقلاب اسلامی ایران است. این حقیقت نیز قرینه‌ای برای تطبیق حدیث امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر انقلاب اسلامی ایران است.

مراحل انقلاب اسلامی ایران

بخشی از حدیث امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف به مراحل خروج و قیام مشرقی اختصاص دارد. در جمله «یطلبون الحق فلا يعطونه ثم يطلبونه فلا يعطونه فاذا رؤا ذلك وضعوا سيوفهم على عواتقهم فيعطون ما سألوه فلا يقبلونه حتى يقوموا» واقعیت‌هایی در ارتباط با انقلاب اسلامی اهل شرق بیان شده است. دو بار حرکت می‌کنند و حق را می‌خواهند اما به آنان نمی‌دهند، در مرحله سوم سلاح‌هایشان را بر شانه‌هایشان می‌گذارند، پس حاکمان حاضر می‌شوند آنچه را می‌خواهند به آنان بدهند، آنان نمی‌پذیرند تا این که قیام می‌کنند و پیروز می‌شوند و قدرت را به دست می‌گیرند.

علی کورانی عاملی می‌گوید امکان دارد منظور از این مراحل، نهضت مشروطیت به رهبری علما و نهضت ملی شدن نفت به رهبری آیت‌الله کاشانی و انقلاب اسلامی سال ۵۷ به رهبری امام خمینی باشد سپس تفسیر دومی ارائه می‌کند که منظور از این بخش حدیث انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ و مراحل پس از آن تاکنون باشد (کورانی عاملی، ۱۴۲۵، صص. ۲۲۳-۲۲۲).

به‌گونه‌ای دیگر می‌توان این مراحل را گزارش کرد. مرحله اول قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ بوده است که مردم نابودی سلطنت پهلوی و برقراری حکومت اسلامی را خواستار شدند و رژیم مردم را قتل عام کرد و حق را به آنان نداد. مرحله دوم قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ که مردم به دفاع از امام

خمینی رحمته الله علیه و حکومت الهی برخاستند و شهید شدند و حق را به آنان ندادند و سرانجام در سال ۱۳۵۷ به صحنه آمدند و با عقب نشینی رژیم به دستور شاه زندانیان سیاسی آزاد شدند و تقویم سلطنتی به تقویم هجری خورشیدی بازگشت و برخی سرسپردگان به رژیم پهلوی همانند امیرعباس هویدا که مدت ۱۳ سال از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ نخست وزیر بود و ارتشبد نعمت الله نصیری که ۱۳ سال ریاست ساواک را برعهده داشت دستگیر و زندانی شدند و مطبوعات آزاد شد و شاه در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ از صداوسیما توبه نامه خواند و سوگند یاد کرد که خطاها تکرار نشود و انقلاب ملت ایران را پذیرفت.

در آن توبه نامه نوشت:

شما ملت ایران علیه ظلم و فساد و بی قانونی به پا خاستید و من به شما حق می‌دهم که در مقابل اینها قیام کنید. انقلاب ملت ایران نمی‌تواند مورد تأیید من به عنوان پادشاه ایران و به عنوان فرد ایرانی نباشد... ادامه وضعیت کشور دیگر برای مردم قابل تحمل نیست... اشتباهات، فشار و اختناقی در گذشته در کشور بود که دیگر نمی‌گذاریم تکرار شود. من به نام پادشاه شما سوگند خورده‌ام که تمامیت ارضی مملکت، وحدت ملی و مذهب شیعه اثنی عشری را حفظ کنم و بار دیگر در برابر ملت ایران، سوگند خود را تکرار می‌کنم و متعهد می‌شوم خطاهای گذشته دیگر تکرار نشود و خطاهای گذشته را جبران کنم... من نیز پیام انقلاب شما را شنیدم و آنچه را که شما برای به دست آوردن آن قربانی داده‌اید تضمین می‌کنم.

با این همه کاری که رژیم و شاه در پذیرش خواسته‌های مردم انجام دادند، رهبر انقلاب امام خمینی رحمته الله علیه و مردم نپذیرفتند و قاطع و فراگیر و استوار به صحنه آمدند و جبهه انقلاب حکومت سلطنتی را به نبرد مسلحانه تهدید کرد و انقلاب به پیروزی رسید و مرحله تسلیم کردن حکومت و قدرت جمهوری اسلامی به صاحب امر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه باقی مانده است. جمله «وضعوا سیوفهم علی عواتقهم» جریان سال ۵۷ در دی و بهمن و اسفند را گزارش می‌کند که امام خمینی رحمته الله علیه و مردم مسلمان ایران آماده نبرد مسلحانه شدند. انقلاب اسلامی ایران همواره دشمن را تهدید به جنگ مسلحانه کرد اما هرگز جنگ مسلحانه برپا نشد. تنها تهدید به جنگ مسلحانه و استعداد آن وجود داشت، این جمله از حدیث هم از گذاشتن سلاح‌ها بر شانه‌ها یاد می‌کند و همان تهدید به جنگ مسلحانه را نشان می‌دهد. نکته دیگری که روایت مورد بحث را قابل تطبیق بر انقلاب اسلامی ایران می‌سازد همین تعبیر امام باقر ع درباره نحوه حمل سلاح توسط صاحبان قیام است که فرمود: «وضعوا سیوفهم علی عواتقهم». عواتق جمع عاتق به

معنای شانه است. از یک سو نحوه حمل شمشیر در گذشته این بوده که آن را دست می‌گرفتند یا بر کمر می‌بستند و از سوی دیگر گذاشتن شمشیر بر روی شانه مرسوم نبوده است. بنابراین به نظر می‌رسد مراد از سیوف در بیان امام تفنگ است که امروزه سربازان در مثل رژه آن را بر روی شانه خود قرار می‌دهند. شاید وجه استفاده امام از کلمه سیوف آشنا نبودن مخاطبان حضرت با تفنگ بوده است. اما این که چرا امام از عنوان کلی سلاح که قابل تطبیق بر ابزارآلات مختلف جنگی است استفاده نکردند به خاطر این است که سلاح بر اعم از سلاح فردی و جمعی قابلیت تطبیق دارد اما سیف سلاح دستی و فردی است. انقلاب اسلامی ایران با اقدامات مسالمت‌آمیز و راهپیمائی‌های مردمی و مشت‌های برافراشته به پیروزی رسید سلاح‌ها بر دستان و شانه‌ها قرار گرفت اما خشونت و خون‌ریزی و جنگ مسلحانه اتفاق نیفتاد و این امتیاز انقلاب ایران در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و شوروی و چین است.

امام خمینی علیه السلام در فرانسه بارها در پاسخ خبرنگارانی که از جنگ مسلحانه می‌پرسیدند از امکان آن در آینده خبر می‌دادند. خبرنگار تلویزیون سی بی اس آمریکا در ۱۵ آبان ۱۳۵۶ در فرانسه از امام خمینی علیه السلام پرسید:

چگونه می‌خواهید شاه را برکنار کنید؟ با قیام مسلحانه یا با قرار دادن ارتش در کنار مردم؟ چگونه؟ امام پاسخ دادند: ما امیدواریم احتیاجی به قیام مسلحانه نیفتد و با همین اعتصابات و تظاهرات و اظهار انزجار ملت، مسائل حل شود... لکن اگر این شکل مبارزات ملت مفید واقع نشود و لازم آمد یک‌طور دیگر عمل شود ممکن است ما تجدیدنظر کنیم (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص. ۳۳۱).

خبرنگار هفته‌نامه انگلیسی ساندی تلگراف در مصاحبه ۱۷ آبان ۱۳۵۷ فقط یک سؤال پرسید:

در صورت بروز جهاد مسلحانه چه گروه‌هایی از مردم را می‌توان در آن به حساب آورد؟ امام چنین پاسخ دادند: ما امیدواریم که مسائل ایران بدون قیام مسلحانه، با همین نهضتی که اکنون تمام اقشار ایران را فراگرفته است و با همین فشارهایی که ملت بر شاه وارد می‌کند حل شود اگر چنانچه حاصل نشد و احتیاجی به قیام مسلحانه پیدا شد، تمام اقشار ملت در آن شرکت خواهند کرد و یک طبقه معینی در آن انحصار نخواهد داشت (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص. ۳۷۹).

همین محتوا را در مصاحبه با خبرنگاران برزیلی و انگلیسی و تایلندی و ژاپنی و آمریکایی در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۵۷ (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص. ۴۱۰ و ۴۱۱)، خبرنگار رادیو تلویزیون

هلند در مصاحبه ۱۸ آبان ۱۳۵۷ (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۴، ص. ۴۱۶) و در مصاحبه با خبرنگاران آلمانی و فرانسوی و ایتالیایی و اسپانیایی در ۱۹ آبان ۱۳۵۷ (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص. ۴۳۲) اعلام نموده‌اند. در واقع شمشیرها آماده شد و بر شانه‌ها باقی ماند و حکم جهاد صادر نشد و قیام و جنگ مسلحانه همچنان تهدید دائمی باقی ماند و هرگز اتفاق نیفتاد.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که احتمال تطبیق حدیث امام باقر علیه السلام بر انقلاب اسلامی ایران قوی و زیاد است. شواهد و قرائن آن در این پژوهش بیان شد.

بررسی سندی حدیث نشان داد سند حدیث امام باقر علیه السلام صحیح است و دو حدیث نبوی نیز هماهنگ و هم‌افق با آن وجود دارد و این می‌رساند که عامه و خاصه چنین رویکرد حدیثی دارند. مشرق به نظر محققان، ایران است و قیام مردم مشرقی ایران هم‌راستا با گزارش حدیث حق طلبانه است و این قداست و ارزشمندی قیام را روشن می‌کند. مراحل ذکرشده در حدیث بر انقلاب ایران قابل تطبیق است و محتوای حدیث با ماهیت انقلاب اسلامی ایران موافق است. انقلاب اسلامی ایران تنها انقلاب بزرگ برحق در عصر غیبت است که اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنان و منتظران ظهور آنرا پذیرفته و از آن خرسند می‌باشند. انقلاب ایران تنها انقلابی است که بیش از هر خروج و حرکتی در تاریخ جهان در زمینه‌سازی ظهور تلاش کرده و می‌کند. ملت ایران مهدوی و کشور ایران کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و رهبر و مردم حکومت و قدرت را امانت برای حکومت امام مهدی علیه السلام، و انقلاب اسلامی را مقدمه انقلاب جهانی مهدوی می‌دانند و بی‌شک و به‌طور قطع و یقین با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت و قدرت را به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیم و تقدیم می‌کنند و در سپاه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار خواهند گرفت.

منابع

- ابن ابى زینب نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر. (۱۴۰۳ق). الغيبة. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- ابن اثیر جززی، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). النهاية فی غریب الحدیث والاثیر. قم: مؤسسة مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (بی تا). العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی ایام العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن فقیه، احمد بن محمد. (۱۴۱۶ق). البلدان. بیروت: عالم الکتب.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). البداية والنهاية. مصر: مرکز البحوث والدراسات العربیة و الاسلامیة بدار هجر.
- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید. (۱۴۱۸ق). السنن. بیروت: دارالجلیل.
- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابومعاش، سعید. (۱۴۳۰ق). الامام المهدي علیه السلام فی القرآن والسنة. مشهد: آستان قدس رضوی.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). كشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام. تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی. تبریز: بنی هاشمی.
- اصفهانی، حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله (۱۴۴۵ق). الاربعون حدیثاً فی المهدي. تحقیق: علی جلال باقر. قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
- امین، سید محسن. (۱۴۲۱ق). اعیان الشیعه. تحقیق: حسن امین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بلدای، وسام برهان. (۱۴۳۳ق). تيجان الولاء فی شرح بعض فقرات زیارة عاشوراء. کربلا: العتبة الحسینیة المقدسه.
- تستری، قاضی نورالله. (۱۴۰۹ق). احقاق الحق وازهاق الباطل. قم: مكتبة آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- جزائری، نعمت الله بن عبدالله. (۱۴۲۷ق). ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار علیهم السلام. بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.
- جزائری، نعمت الله بن عبدالله. (۱۴۲۹ق). الانوار النعمانیة. بیروت: دارالقاری.
- حر عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۲۵ق). اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

- حلی، تقی‌الدین حسن بن علی بن داوود. (۱۳۴۲). الرجال. تصحیح: محمدصادق بحرالعلوم. تهران: دانشگاه تهران.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۲ق). رجال العلامة الحلی. تصحیح: محمدصادق بحرالعلوم. قم: الشریف الرضی.
- حمویی جوینی شافعی، صدرالدین ابراهیم بن مؤید. (۱۴۰۰ق). فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمة من ذریتهم علیهم السلام. بیروت: مؤسسه المحمودی.
- سلیمان، کامل. (بی تا). يوم الخلاص فی ظلل القائم المهدي علیه السلام. بیروت: دارالکتب اللبنانی.
- سیدبن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی. (۱۳۸۵). الشریف بالمنن فی التعریف بالفتن. قم: مؤسسه فرهنگي صاحب الامر علیه السلام فرقة الشریف.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۳۸۵). العرف الوردی فی الاخبار المهدي. تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامية.
- شیخ آقابرگ طهرانی، محمدحسن بن علی. (بی تا). طبقات اعلام الشيعة. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۱۹ق). منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام. قم: مؤسسه السیره المعصومه علیه السلام.
- طبری آملی صغیر، محمدبن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). دلائل الامامة. قم: بعثت.
- طبری، محب‌الدین. (۱۴۲۸ق). ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی. قم: دارالکتب الاسلامی.
- طریحی، فخرالدین محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین و مطلع النیرین. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۷ق). فهرست کتب الشيعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول مشهور به الفهرست. تحقیق: شیخ جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر الفقاهه.
- علم الهدی، احمد. (۱۳۹۹ق). مشروعیت قیام در عصر غیبت امام عصر علیه السلام. مشهد: انتشارات حوزه علمیه خراسان.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
- قریشی، حسین عبید. (۱۴۳۴ق). اسئلة مهدویة تتعلق بعصر الظهور الشریف اجاب علیها. قم: باقیات.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). ینایع المودة لدوی القربی. قم: دارالاسوة للطباعة و النشر.

- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۶۳). *اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي*. تصحيح: مهدي رجایی. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- کورانی عاملی، علی. (۱۴۲۵ق). *عصر الظهور*. تهران: دارالهدی.
- کورانی عاملی، علی. (۱۴۲۶ق). *المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدي علیه السلام*. قم: دارالنشر المعروف.
- کورانی عاملی، علی. (۱۴۳۵ق). *شمس خلف السحاب اعداد مسلم خاطری*. قم: باقیات.
- کورانی عاملی، علی. (۱۴۳۸ق). *السيرة النبوية عند اهل البيت علیهم السلام*. قم: دارالنشر المعروف.
- کوفی، محمد بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). *مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام*. قم: مجمع احیای فرهنگ اسلامی.
- گنجی شافعی، محمد بن یوسف. (۱۴۱۴ق). *البيان فی اخبار صاحب الزمان*. بیروت: داراحیاء التراث اهل البيت.
- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین. (۱۴۱۹ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*. تحقیق: محمود عمر الدمیاتی. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). *کتاب رجعت*. تحقیق: سیدحسین موسوی. قم: دلیل ما.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۷). *حکمت نامه بسیج*. قم: دارالحديث.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۱). *اهل بیت علیهم السلام در قرآن و حدیث*. ترجمه: حمیدرضا شبخی و حمیدرضا آذیر. قم: دارالحديث.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳). *دانش نامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ*. قم: دارالحديث.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۵). *دانش نامه قرآن و حدیث*. قم: دارالحديث.
- منتظری، حسینعلی. (۱۳۸۰). *نظام الحكم فی الاسلام*. قم: هاشمیون.
- منتظری، حسینعلی. (۱۴۱۵ق). *دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية*. قم: نشر تفکر.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۳). *صحیفه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۳ق). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*. قم: مدینه العلم.

- ناصرى، محمداامير و تسخيرى، محمدعلى. (۱۴۲۶ق). الاحاديث المشتركة حول الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف. تهران: المجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الاسلامية.
- ناظم الاسلام كرماني، ميرزا محمدآباد. (۱۳۲۹ق). علائم الظهور. چاپ سنگى.
- نجاشى، ابوالعباس احمد بن على. (۱۳۶۵). رجال. تحقيق: سيدموسى شبيرى زنجانى. قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
- يزدى حائرى، على. (۱۴۲۲ق). الزام الناصب فى اثبات حجة الغائب عجل الله تعالى فرجه الشريف. تصحيح: على عاشور. بيروت: مؤسسة الاعلمى.

